

کتاب داستان

درباره کتاب «پرسه گرد» نوشته ناصر قادری

پرسه از گذشته تا امروز



مهدیه کوهی کار

داستان نویس

مجموعه داستان «پرسه گرد» نوشته ناصر قادری را بیش از هر چیز می‌توان مجموعه داستانانی مردانه به حساب آورد، مجموعه داستانانی متشکل از ۱۹ داستان بسیار کوتاه با حال و هوایی مردانه؛ مردانی که یا خود روایتگر گریزشان از آدم‌ها و خاطره‌ها هستند یا راوی داستان بهانه‌ای را دستاویز بیان گریز آنان قرار داده است. این داستان‌ها به لحاظ زمانی گستره وسیعی را در برمی‌گیرند و نیز بازگو‌کننده قصه ساکنین سطوح طبقاتی متفاوتی از جامعه هستند. از این نظر گرچه روایت‌ها فاقد یکدستی هستند، اما می‌توانند خواننده را با طیف متفاوتی از شخصیت‌ها از هنرمند و زندانی سیاسی گرفته تا دزد و جیب‌بر و شاگرد راننده همراه کنند. داستان‌های این مجموعه را در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به دو دسته داستان‌های با خط روایی ساده و داستان‌های اندکی پیچیده (دارای گسست زمانی یا غیر معمول) تقسیم کرد. به‌عنوان نمونه در داستان «بچه گمرک» که جزو دسته اول این تقسیم‌بندی قرار می‌گیرد خواننده از همان ابتدا با صحنه جیب‌بری راوی در میدان قزوین روبه‌رو می‌شود؛ تعقیب و گریزی که از پس این جیب‌بری شکل می‌گیرد و تا پایان داستان نیز ادامه می‌یابد بستری است تا مخاطب به همراه راوی به کوچه‌پس کوچه‌های جنوب تهران سر بزند و حتی از حمامی عمومی سردر آورد. نویسنده سعی کرده تا با استفاده از جملات کوتاه و ضرباهنگی تند مخاطب را در موقعیت خاص راوی یعنی تعقیب و گریز و دلهره‌های ناشی از آن قرار دهد. همچنین نویسنده با کاربرد اصطلاحاتی چون قیچی کردن (به معنای میان‌بردن، زکی، تلکه کردن و... تلاش کرده بازگو‌کننده طیفه اجتماعی راوی باشد؛ تلاشی که به دلیل عدم پرداخت مناسب شخصیت نه‌تنها از راوی شخصیتی تیپیک ساخته بلکه مانع از همدات‌پنداری مخاطب با راوی شده است.

داستان «جیب» نیز گرچه در رسته داستان‌های ساده این مجموعه قرار می‌گیرد اما به دلیل استفاده از چند تکنیک ساده از متفاوت‌ترین داستان‌های این گروه است. در این روایت که از بلندترین داستان‌های این مجموعه محسوب می‌شود خواننده با زندگی فعالی سیاسی، جیب، روبه‌رو است که مجبور شده از وطن کوچ کند. نویسنده برای بازگوکردن داستان از روایان متعددی استفاده کرده تا بتواند برش‌های زمانی مختلف زندگی جیب را ارائه دهد. داستان در بخش اول از زبان عیسی، دوست جیب، روایت می‌شود. انتخاب این راوی سبب شده تا مخاطب بدون آنکه به‌طور مستقیم با مشکلات جیب درگیر شود شاهد شرایط دشوار او و پیوند عمیق دوستی میان عیسی و جیب باشد؛ رفتاتی که علاقه جیب به افسانه، خواهر عیسی، آن را محکم‌تر کرده است. افسانه راوی بخش سوم است، روایت‌گر صحنه‌ای کوتاه که در آن به شستن بدن لاغر و آسیب‌دیده جیب اشاره می‌کند. در بخشی دیگر نویسنده با استفاده از نظرگاه سوم شخص محدود به ذهن به بیان صحنه ورود جیب به فرودگاه کانادا، به‌عنوان یک شهروند اسپانیایی می‌پردازد. تگرانی‌های جیب و پایه‌پاشندش به دلیل ترسی که او را فرا گرفته و تکرار جمله حیاتی‌ای که باید بر زبان بیاورد از ویژگی‌های این بخش است و خواننده را به همدات‌پنداری با واهی دارد.

داستان «اقیون» را اما می‌توان در گروه دوم این تقسیم‌بندی قرار داد. رضا پسر دوازده‌ساله آق بالا پس از چپاندن لول یا تلون، بیچ تریاک در جیب شلوارش و هنگام خروج از خانه سید با سربازی روبه‌رو می‌شود که از او می‌خواهد تا تکه‌ای از تریاک را به او بدهد. داستان با این جمله سرباز خطاب به رضا که «منم یه روزی مثل تو سرباز بودم» از روال خطی خارج شده و گویی به جلو پرتاب می‌شود. تصویر خروج رضا از نگهبانی پادگان و یک نفس دودیدش به سوی خانه که جایگزین خروجش از خانه سیدی می‌شود شهادی دیگر بر این مدعاست. در جملات بعدی اما مخاطب با شخصیت دیگری به‌نام غلام‌رضا روبه‌رو است، پسر دوازده‌ساله رضا که این بار او در صدد دادن لول تریاک به پدرش است. نویسنده در این اثر کوشیده تا با ایجاد التقاط زمانی و گسست خط روایی علاوه بر روایت زندگی سه نسل از این خانواده (پدربزرگ، پدر، پسر) ایجاد همانندی میان آنها به‌نوعی عدم‌طبیعت البته در بستر زمان نه آن‌گونه که در آثار بیست‌مدرن دیده می‌شود دست یابد. و تا حدودی نیز به این مهم دست یافته‌است. مجموعه داستان «پرسه گرد» را می‌توان به دلیل استفاده از برخی تکنیک‌ها و خلق موقعیت‌هایی که توانسته‌اند از واقعیت ملموس قلمروزدایی کنند مجموعه‌ای درخور توجه به شمار آورد.

نام کتاب:

پرسه گرد

نویسنده:

ناصر قادری

ناشر:

آگه

پنجشنبه

۱۴۰۰.۰۴.۲۴

۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ / ۱۵ جولای ۲۰۲۱

سال چهارم

شماره ۱۰۶۱

armanmeli.ir

رمان «بیداری» تداعیِ این جمله معروف است: قمینبستی زندگی کن!

علیه

مردسالارین



آرمان ملی– گروه ادبیات و کتاب: کیت شوین (۱۹۰۴–۱۸۵۰) هر چند در عمر نسبتاً کوتاهش به کنشگری اجتماعی و سیاسی نبرداخت، اما به دلیل موفقیت ادبی‌اش در به‌تصویر کشیدن زنانی که در جامعه زیر سلطه و یکه‌تازی مردها تابوهای جنسیتی را می‌شکنند و به جست‌وجوی هویت انسانی مستقل خود برمی‌آیند، نامش با جنبش فمینیسمِ گرهِ خورده است. اولین رمان شوین با درونمایه از دواج‌های نافر جام و اعتیاد به الکل در سال ۱۸۹۰ منتشر شد، که موفقیت چندانی برایش به دست نیاورد. پس از آن، دو مجموعه داستان کوتاه‌از او (در سال‌های ۱۸۹۴ و ۱۸۹۷) منتشر شد که تصویرگر زندگی فرانسوی تبارها و دیگر اقوام ساکن لوئیز یانا (زادگاه او) بود و شهرتش را به‌عنوان نویسنده‌ای بومی‌نگر به تثبیت رساند. با این حال، این شهرت و زندگی اجتماعی دلگرم‌کننده ناشی از آن در سال ۱۸۹۹ با انتشار دومین رمانش، «بیداری»، دستخوش تزلزل شد. ادنا پونتلیه، قهرمان زن داستان که همسر و مادری جوان و کم‌وبیش ناخشنود از زندگی به‌ظاهر بی‌کم‌وکاست خویش است، به‌کاوش در عواطف و تمایلات شخصی و هنری خود می‌پردازد در آستانه نوعی «بیداری» و توهّم‌زدایی از خود و دنیای پیرامونش قرار می‌گیرد. معرفی چنین شخصیتی که معیارهای مقبول جامعه در پیوند با زنان را به چالش می‌گرفت، از سطح انتظارات خوانندگان و منتقدان محافظه‌کار شوین فراتر بود و این جسارت را تاب نیاوردند و موجب فراموشی او آثارش شد تا اینکه در نیمه دوم سده بیستم، کیت شوین و قلم‌شاعرانه و تفکر پیشروی او از نو کشف شد، به‌ویژه دومین رمانش «بیداری» که امروزه به یکی از متون کلاسیک جنبش فمینیسم در آمریکا تبدیل شده و به‌نوعی بیانگر این جمله معروف است: «فمینیستی زندگی کن!» تا به امروز سه ترجمه در ایران و افغانستان از رمان «بیداری» شده. آخرین ترجمه‌ای که به تازگی صورت گرفته، ترجمه فرزانه دوستی است که از سوی نشر بیدگل منتشر شده است.



سیمین ورسه

مترجم

در ابتدای رمان «بیداری»– رمان فمینیستی بزرگ کیت شوین در زمینه هویت و خودآگاهی که با گذشت ۱۲۰ سال از انتشار آن همچنان ضرب‌ان دارد– شوهر قهرمان داستان، دعوائی به راه می‌اندازد. تمام بعدازظهر را در یک کازینو سپری کرده و اکنون نیمه‌شب است، ورق بازی باعث شده لئونسی «روحیه بالایی داشته باشد و خیلی وراچی کند». همسرش را برای دری‌وری گویی و نقل شایعات از خواب بیدار می‌کند، اما او خواب‌آلود و نصفه‌نیمه جوابش را می‌دهد. لئونسی عصبانی که همچنان قصد تحریک همسرش را دارد ادعا می‌کند پسر خوابیده‌شان تب کرده است. وقتی ادنا به شک می‌افتد لئونسی او را مادر بدی خطاب می‌کند. ادنا مثل فتر از جا می‌پرد تا به بچه سر بزند، درحالی‌که لئونسی به هیچ وجه نگران نیست و از سیگار برگ خود لذت می‌برد، کمی بعد، آقای پونتلیه به سرعت به خواب می‌رود درحالی‌که خانم پوتلیه کاملاً بیدار است.

بیداری از چه؟ بعد از دعوا، ادنا به بالکن رفته و به شدت گریه می‌کند. «ظلم و صفت‌ناپذیری که در بخش ناآشنایی از خودآگاهی خود احساس می‌کند تمام وجودش را از یک غم مبهم لبریز می‌کند».

هر چه هست، به طرز غیرقابل توصیفی ناآشنا و مبهم است. با این حال می‌توان تا حدودی آن را ظلم و اندوه نامید. ادنا به هرزهای قلمروی ناشناخته آگاهی خودش نزدیک می‌شود. از ادنا به عنوان کسی که از زبان برای نشانه‌گذاری بی‌نشانه‌ها استفاده می‌کند نام برده می‌شد– مانند حوا، مانند زنانی که دهه‌ها قبل در سنکا فالز جمع شده بودند، مانند بتی فردان و آدری لورد در دهه‌ها بعدتر و حتی مانند کلودیا راتکین. بیداری نه‌تنها استعاره‌ای از دسترسی به بخش‌های ناشناخته ناخودآگاه یک فرد است، بلکه از حقیقت مدفون جامعه ما سخن می‌گوید؛ همان حقیقتی که در جنبش «دانش سیاهان مهم است» به‌منصه ظهور رسید. در تاریخ ۹ ژانویه ۲۰۱۶، در باتون‌روؤ– نه‌چنداند دور از جزیره بزرگ این رمان– دیری مکینسون حین اعتراض به اعدام رافائونی آلتن استرلینگ توسط پلیس دستگیر شد. مکینسون دستگیری خود را از پرسش‌کده ایک اپلیکیشن برای بخش مستقیم زنده ویدیویی بخش کرد و بینندگان از سراسر جهان او را با دستبند پلیس و تیشرتی که رویش نوشته بود «بیدار بمان» تماشا کردند. کاشانا کالی درباره وجه تاریخی این عبارت می‌نویسد: «سیاه‌پوست بودن یعنی فاصله بین زندگی خودت و آنچه در آمریک‌ا به عنوان زندگی یعنی پذیرفته‌شده پیدا می‌کنی.»

ساختارهای دستوری مبتکرانه مانند «بیدار بمان» و «بیداری» در مبارزات مداوم و عدالت‌خواهانه‌ای مانند «جان سیاهان مهم است» و همچنین جنبش‌های پس از آن، از جمله تقویت جنبش‌های زنان و طغیان فعالیت‌های چگراییان آمریکایی برای دیده‌شدن، مشارکت و تعیین سرنوشت افراد حاشیه‌نشین در تمام سطوح زندگی مدنی تجسم می‌یابد. پژواک بین این لحظه و آگاهی گسترده‌ای که رمان «بیداری» نماینده آن است طنین‌انداز می‌شود. بیداری و آگاهی امروز جوامع یک نسبت خویشاوندی با رمان «بیداری» دارد، هر دو بر خردی تأکید دارند که در عین نهفتگی در همه‌جا حی و حاضر است.

رمان‌ها نه دستورالعمل‌اند نه ستون مشاوره جراید، با وجود این، بررسی مجدد تحول به‌بارنشته در یک کتاب سترگ مانند «بیداری» مفید به نظر می‌رسد؛ در اینجا، فمینیسم آرزو دارد استعاره‌های تفرقه‌انگیز خود را پشت سر بگذارد، ریا و شکست‌های اخلاقی خود را اصلاح و در برابر تعاملات بدبینانه‌ای که خواهان تبدیل جنبش به ابزاری برای بازاریابی است مقاومت کند. بقای فمینیسم مستلزم پذیرش آگاهی درونی و بیرونی و تبدیل شدن به یک مبارزه مشترک عدالت‌خواهانه در میان همه گروه‌ها است. کرنشاو آن را «قطاع باوری» می‌نامد. با توجه به این نکته، ضرورت مطالعه رمان «بیداری» را احساس می‌کنیم، یک کتاب مقدس آگاهی‌بخش برای خیلی از افراد، دقت کنید: چه چیزی ما را بیدار می‌کند؟

در ژوئن ۱۸۹۹، روزنامه صبح واشگتن تایمز در بررسی

کتاب «بیداری» نتیجه گرفت: «عامل کتاب بیداری یک مرد است، رابرت لو برون.» در حقیقت، همانطور که نسل‌های

خوانندگان مشاهده کرده‌اند، عامل

بیداری ادنا، خود ادنا است؛ بدنش، دوستانش، هنرش و اوقات او در طبیعت. بیداری ادنا از بیرون خانه و با فرار از ساختارهای مردسالارانه به سوی چشم‌اندازهای شکل‌نگرفته حس، متعالی و ماورالطبیعه شروع می‌شود. ادنا در خلیج شنا می‌کند، در تخت‌خواب نومانندی پرمرده می‌شود، به بالکن فرار می‌کند، جایی که صدایی آبدوست و صدای جاودانه دریا وجود ندارد.»

او صدای جاودانه خود را در فضاهای خواهرخواهی پیدا می‌کند. دوستی‌های زنانه ادنا مشوق جاده‌طبی‌های هنری و محل اعترافات اوست. ادنا با دوست کنار دریا نشسته و می‌تواند تنها پیش خودش به بی‌انگیزگی مادرانش اعتراف کند: «او به شیوه‌ای نابرابر و دمدمی به فرزندان خود علاقه داشت.» ادنا می‌داند که برخلاف دوست شاداب و همواره باردار خود از «زانگی مادرانه» بی‌بهره است. اگر ادنا تصویر از مریم مقدس نیاشد پس با حساب جو مردسالارانه باید یک زن بدنام باشد. پس هرچه بادا باد، ادنا خودش را به سمت یک رابطه بی‌روح با رابرت می‌کشاند.

برای اینکه ادنا بفهمد هرگز به‌طور واقعی بر بدن و روح خود نداشته به تنهایی و انزوا احتیاج دارد (عنوان اصلی رمان «یک روح منزوی» بود). یکی از لحظات جسورانه ادنا در کتاب زمانی است که به‌رغم سرنزش‌های مردسالارانه از طرف رابرت و لئونسی که هر کدام بر ملازمت او اصرار دارند، او حاضر نمی‌شود از جای خود تکان بخورد. قدرت اراده ادنا حتی در این اتاق کوچک و محقر نیز شعله می‌کشد، همانطور که ویرجینیا وولف تقریباً سی سال بعد آن را با عبارات معروف خود بیان می‌کند. در

این محراب خاموش، ارواح خلیج با ادنا نجوا می‌کنند، صبح روز بعد او راهی برای تنهایی‌بودن را رابرت پیدا می‌کند. بیداری و

هوسرانی‌های بی‌محابا در رمان شوین بسط می‌یابد. ادنا پس از بازگشت به خانه خود در نیاورلئان، تعاملات اجتماعی‌ای را که از زنان سفیدپوست طبقه بالای دوره ویکتوریایی انتظار می‌رود با نقاشی، پیاده‌روی، قمار، مهمانی‌های شام، نوشیدنی‌های الکلی، خشم، تنهایی و رابطه معامله می‌کند. او سنت و انتظارات مردسالارانه را به نفع هنر، موسیقی، طبیعت و دوستان صمیمی خود کنار می‌زند. همه اینها موجب می‌شود تا خودش و خواسته‌هایش را در نظر بگیرد. یکی از دوستانش حرف حکیمانه‌ای می‌زند: «برنده‌ای که بالاتر از سنت و تعصب اوج می‌گیرد باید بال‌های محکمی داشته باشد.» آیا ادنا چنین پرنده‌ای است؟ پرسش اصلی رمان همین است، پرسشی که نویسنده از پاسخ قطعی به آن امتناع می‌ورزد. شوین اجازه می‌دهد ادنا آزادی را احساس کند و در عین حال خودش را شناسد. زنان رمان شهود ادنا را عیان می‌کنند.

سرانجام ذهن و جسم ادنا باهم یکی می‌شود. «بیداری» کتابی است که شما را می‌خواند. شوین به خوانندگان گانش چیز را القا نمی‌کند. برخلاف گوستاو فلوربر در «مادام بوواری»، شوین از محکوم‌کردن صریح قهرمان زن داستان خودداری می‌کند. منتقدان به خصوص از این موضوع ناراحت بودند. بسیاری خودداری شوین از قضاوت در مورد ادنا را غفلت نویسنده تفسیر کردند و آن را به عنوان دعوت علنی برای انجام این کار در نظر گرفتند. موضع انتقادی جنسیتی

نسبت به ادبیات مکتوب نویسدگان زن پدیده‌ای است که تا به امروز نیز ادامه دارد. خصوصاً جایی که ادنا به‌صراحت از مادرانگی دمدمی مزاج خود صحبت می‌کند و شوین با تیزبینی به پویایی رعب‌آور پیوند مادر با فرزندانش اشاره می‌کند: «گاهی با اشتیاق آنها را به سینه خود می‌چسباند و گاهی آنها را فراموش می‌کرد.» این موضوع خوانندگان را ناراحت می‌کند، زیرا آزادی‌ای که ماحصل فراموشی موقت فرزندان است صرف یافتن فضای خالی در ذهن شما، برای نقاشی، داستان، ایده پردازی یا لذت بردن جنسی می‌شود. فراموش کردن فرزندان و یادآوری خود اقدامی انقلابی بود که هنوز هم ادامه دارد.

ادنا پونتلیه با بدن خود آنچه را که می‌خواهد انجام می‌دهد حداقل سه بار در کتاب رابطه خوبی دارد. اما اقدام انقلابی‌تر، تمایل به برقراری رابطه است. ادنا، که توسط جهان طبیعی، هنر و دوستان صمیمی بیدار شده، به جای توجه به خواسته‌های جامعه مردسالار، شروع به توجه به خواسته‌های خودش می‌کند. تمایلات ادنا مکانیسم رهایی از شرایط قبلی است. تجربه نفسانی قهرمان زن داستان هم معنوی هم سیاسی است. همانطور که سارا احمد در مانیفست خود تحت عنوان «فمینیستی زندگی کن!»: استدلال می‌کند، شهود سیاسی نه‌از کلاس، بلکه خیلی زودتر و با احساسات جسمانی آغاز می‌شود: «فمینیسم می‌تواند از جسم ما شروع شود، جسمی که در ارتباط با یک جهان باشد؛» جسمی که با یک جهان در تماس است مانند یک شعله ظلم را احساس می‌کند و واکنش نشان می‌دهد. برای زنان، افراد بدون هویت جنسی یا متعلق به طیف‌های مختلف هویت جنسی و افراد رنگین‌پوست، کسانی که به گفته کالی در حدفاصل بین تجربه خودشان از زندگی و روایت تعریف‌شده از زندگی یک امریکایی معمولی زندگی می‌کنند، لذت‌جویی و داشتن احساسات را بسکسری و خودشیفتگی نمی‌دانند، بلکه یک جهت‌گیری مجدد اساسی می‌پندارند. بیش لحظه‌ای انسان از این انگیزش پیروی می‌کند. ادنا با پرداختن به احساسات و غور در اندیشه‌های خود، قطب نمایش را مجدداً تنظیم می‌کند تا نه تنها محنت مردسالاری را نشان‌ند، ترد، بلکه شمایل جدیدی را رو به سوی لذات خویش پیدا کند.

مانند ادنا، کیت شوین به هر قیمتی هر کاری که می‌خواست با ذهن خود انجام داد و برایش گران هم تمام شد. در سال ۱۸۹۹، «بیداری» حق التألیف ناچیزی معادل ۱۰۲ دلار دریافت کرد برابر با ۳۰۰۰ دلار امروز. اندکی پس از انتشار، این رمان کلاسیک از چاپ خارج شد و قرارداد بعدی کتاب شوین لغو شد. شوین پس از یک روز گرم و طولانی که همراه پسرش در نمایشگاه جهانی سنت لوئیس سیری کرد، در سن ۵۴ سالگی بر اثر خونریزی مغزی در گذشت. فعالیت او در حوزه چاپ و نشر حدود ۱۴ سال به طول انجامید. او خود را در میان پیشگامان ادبیات و اندیشه فمینیستی قرن بیستم تثبیت کرد. او به ما نشان داد که زندان پدرسالاری شما را می‌کشد، یا به‌کندی یا خیلی سریع، نشان داد چگونه خود را از این زندان بیرون بیاورد. او گمی دوموپوسان را به عنوان «مردی که از سنت و اقتدار فرار کرده بود» تحسین کرد و ما تا ابد بحث خواهیم کرد که آیا ادنا مجاز به این فرار است، آیا راهی را به ما نشان نمی‌دهد جز راه آزادی. در مورد شوین، شکی نیست که او موقع نوشتن آزاد و رها بود و اجازه میداد ذهنش گشوده شود. هیچ‌کدام از اینها تصادفی، از روی حماقت یا هوی و هوس یا خاطرهنویسی نیست. کیت شوین می‌دانست دارد چه کار می‌کند.

آرمان ملی

کتاب ۱۱

کتاب رمان

درباره کتاب «پروازهای زیرزمینی» نوشته بن.اچ. وینترز

سیاه‌علیه سیاهان



مریم طباطبایها

مترجم

«پروازهای زیرزمینی» رمان پرفروشی است که این پرسش را مطرح می‌کند: اگر جنگ داخلی هرگز اتفاق نمی‌افتاد، آمریکای امروزی چگونه خواهد بود؟ بن.اچ. وینترز جرات می‌کند و در رمان خود برده‌داری و تخیل را درهم می‌آمیزد.

در تریلر هیجان‌انگیز آقای وینترز «پروازهای زیرزمینی»، یک شکارچی سخاوتمند به‌نام ویکتور مسیر پناهندگان را برای سرویس پلیس ایالات متحده پیگیری می‌کند. اما این مأموریت مانند گذشته‌او پیچیده است: افرادی که او آنها را تعقیب می‌کند برده‌هایی فراری هستند. جرم آنها پس‌زدن یک زندگی اجباری است، و البته خود ویکتور که زمانی یکی از آنها بوده است. از همان زمان که آقای وینترز شروع به نوشتن کرد، می‌دانست که «پروازهای زیرزمینی» بسیار کتابی خلاقانه و به‌شدت خطرناک است. این رمان به موضوع تاسف‌برانگیز تبعیض نژادی در آمریکا می‌پردازد. این اتفاق در ایالات متحده امروزی که در آن جنگ داخلی هرگز رخ نداده و برده‌داری در چهار ایالت آن قانونی است رخ داده و این داستان توسط یک برده‌دار سابق روایت می‌شود که برای آزادی خود هزینه‌های سنگین اخلاقی پرداخته است. «پروازهای زیرزمینی» جزو مجموعه آثار خیالی در مورد برده‌داری و میراث ماندگار در آمریکاست. انتشارات آلفرد نایف اولین رمان بلندپروازانه خود را منتشر کرد؛ داستانی در مورد تاثیر برده‌داری بر دو خواهر ناتنی و نسل‌های بعد و فرزندان آنها. در نقطه مقابل این رمان، اولین رمان از نااتشادتون به‌نام «کریس» به چاپ رسید که راوی آن روح یکی از بردگان سابق است. و انتشارات دابل‌دی هم که کتاب «رام‌اهن زیرزمینی» را منتشر کرد که درباره برده‌ای به‌نام کورا است. اواز مزرعه‌ای در جورجیا فرار می‌کند و از طریق یک راه‌آهن زیرزمینی که نه‌تنها یک خط بلکه یک شبکه واقعی زیرزمینی از تونل‌ها و ایستگاه‌های متصل به یک قطار قدیمی است، به شمال فرار می‌کند. تمام این رمان‌ها با راه‌هایی که شبکه برده‌داری کشور را شکل داده دست‌وپنجه نرم می‌کنند، اما رویکرد آقای وینترز موضوع را به یک نتیجه تکان‌دهنده می‌رساند.

لو گروسمن، منتقد کتاب و نویسنده مجموعه داستان‌های فانتزی «شعبدبازان» می‌گوید: «وینترز به‌طور مستقیم درگیر یکی از مهمترین موارد مهم در حال حاضر در این کشور است. او یک نویسنده سفیدپوست است که به دنبال سوال درمورد سیاه‌پوست‌بودن در آمریکاست. این یک کار جسورانه و وحشتناک است.» آقای وینترز می‌گوید: «کشور ما هنوز با میراث برده‌داری سروکار دارد. همانطور که درمورد این موضوع تحقیق کردم، فهمیدم که می‌خواهم این ایده مجازی را که هنوز برده‌داری با ماست بگیرم و آن را بسط بدهم.»

آقای وینترز سعی کرد این داستان را در روند تحقیقاتش هم بیاورد تا بتواند فرضیه این عمل وحشیانه را ثابت بکند. او کتاب‌هایی چون «اقتصاد سیاسی برده‌داری» و تاریخچه‌هایی مانند «طرح توطئه علیه آمریکا» از فیلیپ راث و کتاب «مردی در قلعه بلند» اثر فیلیپ ک دیک را خواند. آثار کلاسیک ادبی رالف الیسون، تونی مورسون، جیمز بالدوین و زورا نیل هرسون را هم مطالعه و بازخوانی کرد.

او فهمید که تغییر چند رویداد مهم تاریخی، می‌تواند تاثیر ناگهانی بر فرهنگ، اقتصاد و سیاست آمریکا داشته‌باشد. او پیش از شروع به کار، از یک جدول زمانی که در آن لینکلن در سال ۱۸۶۱ مورد اصابت گلوله قرار گرفت، طرح‌برداری کرد که طبق آن، لغو برده‌داری برای همیشه در قانون اساسی ثبت شد.

مارجا از ملاقات او با ویکتور آغاز شد، به نظر می‌رسید که او یک شخصیت کلاسیک از یک داستان پلیسی سفت و سخت است؛ شخصیتی با یک تنهایی غیر قابل نفوذ، بدبین با گذشته‌ای تاریک. اوایل داستان مشخص می‌شود که ویکتور قبلاً فردی محکم و مقتید به کار بوده است. آزادی ی قیدوشرط او توسط آقای بریخ، داشتن چهاردهی در سایه‌ها با همکاری کلانترهای فدرال، او را برای پیداکردن بردگان فراری مناسب نشان داد و استخدامش کرد. ویکتور که در کار خود سرآمد است و بیش از ۲۰۰ نفر را اسیر کرده، به یک جنبش لغو برده‌داری که به آن خطوط هوایی زیرزمینی می‌گویند ملحق شده و سپس مجبور به مقابله با همدستان خود می‌شود. به گفته آقای وینترز، نوشتن از اول شخص بسیار طبیعی است؛ چون با سنت‌های داستان‌های رزمروازدار نوآور بسیار منطبق است. آقای وینترز یادآوری می‌کند: هیچ‌کس سعی نکرد در رابطه با این داستان با من حرف بزند، اما همسرم یک‌آن گفت: «او هر پسر تو بهتر بود سیاه‌پوست می‌بودی!» آقای وینترز می‌گوید: «تمام شکل هنری این اثر مربوط به همدلی است، نه، من هرگز نتوانم فهمید که یک سیاه‌پوست واقعا چگونه است، اما می‌توانم از طریق تخیلاتم این فرد را خلق کنم و این کار من است.»

و به نظر می‌رسد که بن.اچ. وینترز در «پروازهای زیرزمینی» توانسته یک شخصیت منحصر به‌فرد را

خلق کند تا هم داستان برده‌بودن

خودش را روایت کند، هم زمانی

که مجبور می‌شود با پلیس

فدرال برای یافتن برده‌های

فراری کمک کند.

نام کتاب:

پروازهای زیرزمینی

نویسنده: بن.اچ. وینترز

مترجم: مینا محمودی

ناشر: خوب

